

اقتدار ایران



دیپلماسی فعال بین المللی

- رفت و آمدهای سران کشورهای مختلف به ایران
- سفر رئیس جمهور به کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس
- سفر وزیر امور خارجه به هند، ایتالیا و...

قدرت باز دارندگی

- توان موشکی بالا
- افتتاح خط تولید پهپاد در کشورهای دیگر
- بازدارندگی در حوزه سایبری
- افزایش توان گروه‌های مقاومت

تعامل با سازمان‌های بین المللی

- درخواست عضویت در گروه بریکس
- درخواست عضویت در اتحادیه اوراسیا
- عضویت در شانگهای
- احیای سازمان آکو

کانون ترانزیتی منطقه

- احیای کریدور شمال-جنوب
- احیای کریدور شرق-غرب
- توسعه خطوط حمل و نقل ریلی منطقه‌ای

چرا سیاست همه چیز منهای ایران شکست خورد؟

وزن جمهوری اسلامی در ایجاد امنیت پایدار منطقه‌ای با توجه به نقش کلیدی‌اش در تأمین امنیت و حضور متمرکز در مناقشات و مهار تهدیدات بین المللی، به قدری بالاست که قابل اغماض نبوده و بدون در نظر گرفتن نقش سازنده آن، نمی‌توان ثبات و امنیت را در منطقه شکل داد. ایران با پشت سر گذاشتن چالش‌ها و تهدیدات داخلی و خارجی خود طی ۴۰ سال گذشته، به یکی از قدرت‌های اصلی در منطقه و تعیین کننده در عرصه بین الملل تبدیل شده است. در نمودار مقابل، دلایل شکست سیاست «همه چیز منهای ایران»، که در دولت‌های مختلف آمریکا پیگیری می‌شد نمایش داده شده است. این دلایل در دو دسته شامل دلایل مرتبط با «اقتدار ایران» و دلایل مرتبط با «شکست استکبار» آورده شده است.

شکست استکبار

- فروپاشی دولت در رژیم صهیونیستی**
 - بی‌ثباتی ساختار سیاسی
 - مهاجرت معکوس
 - نزاع‌های مذهبی و قومی
 - ناتوانی در تأمین امنیت
 - در قلب سرزمین‌های اشغالی
- شکست آمریکا در منطقه**
 - فرار آمریکا از افغانستان
 - شکست آمریکا در عراق
 - شکست طرح تروریسم
 - بین المللی علیه سوریه و عراق
 - شکست طرح خاورمیانه بزرگ
- آشوب و بی‌ثباتی در نظم بین الملل**
 - افزایش خشونت‌های مسلحانه در آمریکا
 - تورم و سقوط دولت‌های اروپایی
 - رشد موج راستگرایی در اروپا
 - روی کار آمدن دولت‌های ضد امریکایی در امریکای لاتین
- ناتوانی در ائتلاف سازی**
 - روی آوردن برخی کشورهای عربی به برقراری روابط با ایران
 - شکست طرح معامله قرن
 - شکست طرح ناتوی عربی



22 FEBRUARY 2022 - DOHA, STATE OF QATAR

از تفسیرهای زود هنگام درباره مشارکت عراق در نشست ریاض در رابطه با ایران است، به تشریح موضع دولت عراق درباره شرکت در این نشست با حضور رئیس جمهور آمریکا پرداخت و تأکید کرد که این کشور در هیچ ائتلافی علیه ایران ظاهر نخواهد شد بلکه هدف آن را مشارکت عراقی‌ها در تقویت روابط بین المللی، نه ایستادن در کنار محوری علیه محور دیگر برشمرد. در این میان، تصویب قانون منع عادی سازی راهی برای نفوذ در ساختار سیاسی عراق برای رژیم صهیونیستی نیز نگذاشته است.

همچنین، وجود مذاکرات و ادامه روند آن با وجود اختلافات فیمابین ایران و عربستان، خود شواهدی برای تلاش به خاطر اصلاح روابط و تنش زدایی در منطقه است. امارات نیز به رغم تحریم‌هایی که علیه ایران وجود دارد، تجارت گسترده‌ای با کشور دارد و قربانیت روابط تجاری بین دو کشور از گسترش تنش‌ها به یک درگیری جلوگیری کرده است.

ایران کانون دیپلماسی منطقه

سفر اردوغان و پوتین به تهران شواهدی بر انکارناپذیر بودن نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای است. تحلیلگران ترکیه بر این باورند که ارتباط با تهران برای این کشور به دلیل قربانیت‌های فرهنگی و قومی و مذهبی، یک امر حیاتی است و تحریم‌ها علیه ایران یک فرصت برای آنکاراست. علاوه بر آن حل بحران کنونی انرژی در ترکیه نیز نیازمند همکاری نزدیک با ایران است. می‌توان گفت این اقدام ترکیه، به معنای بازگشت و عدول از مواضع قبلی خود و درک واقعیتی به نام جایگاه ایران در منطقه و لزوم همکاری با آن است.

قطر در زمینه میانجیگری میان ایران و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای تلاش کرد نقش واسطه را ایفا کند و طی آن روابط سیاسی با کشور را توسعه داد. همکاری دو کشور به برگزاری مسابقات جام جهانی نیز ورود پیدا کرده و طی آن وزیر راه

بختن شهروندان ایرانی را تسلیت گفت. از سوی دیگر، رایزنی‌هایی برای از سرگیری روابط میان تهران و قاهره برای بازسازی روابط بین دو کشور وجود دارد.

امنیت پایدار در منطقه

آرامش و امنیت مقوله مهمی است که سایه آن بعد از سال‌ها در منطقه احساس می‌شود. به عقیده تحلیلگران، جهت‌گیری سیاست خارجه ایران در تمام مناقشه‌های منطقه چه در سوریه و قرقه باغ و حتی در افغانستان به سمت ایجاد امنیت و ثبات حفظ منافع کشورها در قبال آن بوده است. ایران با فعالیت‌های بیرون مرزی برای کسب این جایگاه، حتی به یک نیروی بازدارنده تبدیل شده و معادلات آتی غرب را به نقطه شکست رسانده است. کشورهای منطقه بعد از سپری شدن دوران عدم ثبات به این باور رسیده‌اند که عدم انسجام و فروپاشی‌های سیاسی یک کشور، عدم امنیت و آشفتگی را به کشورهای همسایه سرایت داده و منطقه را در بحران فرومی‌برد. ایران در منطقه و در خط محور مقاومت که از شرق ایران تا لبنان

باقی مانده برای غرب و رژیم صهیونیستی بهره‌کشی و وارونه‌نمایی از رویدادها است. از سوی دیگر بلاتکلیفی در جنگ اوکراین و برآورده نشدن انتظارات اروپا در لوی سراسپردگی به رهبری آمریکا پیام روشنی به این مضمون برای کشورهای منطقه دارد که آینده نگرایی آمریکا نه تنها قابل اعتماد نیست بلکه حتی این کشور پتانسیل اتکا کردن راهم ندارد. از طرفی تثبیت قدرت‌های شرقی چون چین و روسیه و گذار نظام بین الملل به سوی نظم جدید، نگاه‌ها را از غرب گرفته و به شرق معطوف کرده است. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با اینکه متحد استراتژیک آمریکا و حافظ منافع ایالات متحده در خاورمیانه محسوب می‌شوند اما با بزرگ‌ترین رقیب اقتصادی آمریکا یعنی چین، در مرزها هستند.

از این رو آمریکا می‌کوشد با ائتلاف‌سازی یا حتی تشکیل ناتوی عربی، جریان بلوکه شده‌ای را به رهبری خود و به زعامت رژیم صهیونیستی ایجاد کند و با وابسته کردن آنها به خود، هم از توجهات‌شان به شرق بکاهد و هم آنها را با خدعه ایران هراسی، به دامان رژیم صهیونیستی بربارد.

در حالی که اکنون رژیم صهیونیستی دچار بحران‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و شکست دولتی [بنت] نمودی از آن است. بحران‌هایی که عمیقاً در ساختار رژیم وجود دارد و با افزایش زمان، تشدید می‌گردد و این رژیم را بیشتر در ناتوانی و آشفتگی فرومی‌برد.

نشست «شرم‌الشیخ» در هفته‌های گذشته با حضور مقامات ارتش رژیم اسرائیل و ارتش عربستان سعودی، اردن و مصر و به ادعای رسانه‌های غربی، به خاطر هماهنگی برای مقابله با ناتوانی‌های موشکی و پهپادی ایران برگزار شد. این دست اقدامات، برای پشتوانه‌سازی در مقابل محور مقاومت و ایران

گروه سیاست/نقش کلیدی جمهوری اسلامی

در تأمین امنیت منطقه غرب آسیا به حدی کلیدی است که نمی‌توان ثبات و امنیت را بدون آن در نظر گرفت. مسأله‌ای که غرب و آمریکا می‌کوشند با انکار و ایجاد هجمه‌های رسانه‌ای از هر سو آن را تحت الشعاع قرار داده و کمربند سازند. امروزه با توجه به رویکرد جدید سیاست خارجه دولت سیزدهم، مسیری روبه‌رو رشد برای تعاملات در منطقه ایجاد شده که سبب تثبیت امنیت و ارتقای جایگاه سیاسی ایران نیز می‌شود که به همین سبب، هجمه‌ها نیز تشدید پیدا کرده است.

آنجکه امروزه در تبلیغات رسانه‌های غربی و عبری با نام ائتلاف عربی به‌عنوان صف آرابی و با محوریت تقابل با ایران یاد می‌شود، یک اغراق رسانه‌ای و یک فرار رو به جلو برای رژیم صهیونیستی به منظور منحرف ساختن ذهنان جهان از اوضاع داخلی آن است. این رسانه‌ها در تلاش هستند فضایی تصنعی را ایجاد نمایند که کنش‌های منطقه را به مسیر ساختگی خود هدایت و تحلیل کنند. برجسته‌سازی اخبار مربوط به این موضوع توسط رسانه‌ها، در سفر پیش روی جو بایدن به منطقه افزایش پیدا کرده تا تأثیرگذاری آن بیشتر در معرض عموم مردم قرار گیرد. در واقع فرایند القای این مضمون برای انزوی ایران و تحت الشعاع قرار دادن فضای رو به رشد تعاملات کشور در منطقه و جهت بخشی به رسانه‌های مختلف در این وادی و مسیرسازی برای عملیاتی کردن این هدف است.

سفر بایدن به منطقه

سفر بایدن به منطقه با توجه به تغییر موفله‌ها و سردرگمی غرب و رژیم صهیونیستی در جنگ اوکراین و تحولات غرب آسیا و خصوصاً مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و همچنین عدم تمکین کشورهای به اصطلاح متحد به خواسته‌های آنها، دستاوردهای متقن و قابل پیش‌بینی ندارد. از این روی یکی از راهکارهای

دهه هشتمی و نودی‌ها، نسل «منهدم‌کننده» نیستند!

نسل‌های جدیدتر با نظام مسائل جدیدتری مواجه هستند و شرط بقای گفتمان انقلاب اسلامی آن است که بتواند به نیازهای آن‌ها پاسخ دهد. لازم است سنجیده شود که منطبق‌های گفتمانی کنونی تا چه اندازه پاسخگوی این نیازها هستند و برای برطرف کردن چالش‌ها چه راهکارهایی را باید مورد توجه قرار داد؛ غلامرضا جمشیدیها عضو هیات علمی دانشگاه تهران در این باره توضیح می‌دهد.

سفر بایدن به خاور میانه؛ پیمان امنیتی یا ببر کاغذی؟

اولین سفر بایدن به خاور میانه در زمان تشدید تنش‌ها انجام می‌شود، درخواست‌های مقامات صهیونیستی برای تقویت نظامی منطقه‌ای علیه ایران، خاطرات دیدگاه دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا درباره ناتوی عربی را زنده می‌کند - مفهومی که هرگز قابل تحقق نبوده و سختی می‌توانست بازدارندگی لازم را در مقابل ایران ایجاد کند؛ اما واقعیت این است که مسأله ایران راه حل نظامی ندارد...

فشارهای حداکثری بر ایران نتیجه عکس داده است

در مقدمه کتاب «ایران از درون» آورده شده که با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی، ایران همچنان از ثبات بالایی برخوردار است؛ حتی در بحبوحه تحولاتی که در دهه گذشته برای منطقه رخ داده است. همچنین نویسنده معتقد است که جامعه ایران نیز با وجود همه مشکلاتی که دارد از ثبات نسبی برخوردار است و اگر چه بحران‌های اقتصادی وجود دارد، اما این ثبات نسبی را نمی‌توان نادیده گرفت...